

Exploring the Pattern of Civil Education from Abu Nasr Farabi's Viewpoint: a Qualitative Study

zahra fathi *
Mohammad Mazidi **
sa'id beheshti ***
Rahmatollah Marzooqi ****
Shahzad Shah-sani *****

Abstract

Civil education is known as one of the important functions of education, and to teach and learn civil education, there must be a model. One of the important theories related to civil education belongs to Farabi, who is an Iranian-Islamic philosopher. The present study aims at exploring the model of civil education from Farabi's viewpoint. The approach of the study is qualitative and its method is content analysis. All Farabi's first- and second-hand translated works, which were selected using the purposeful sampling method and convenience sampling, were explored. Thematic analysis method was used to analyze the results of this study. The findings of the thematic analysis were organized in the terms of 50 categories, 34 basic themes, 7 organizing themes and 4 global themes. The results showed that civil education and its dimensions appropriate to the culture and values of our society should be introduced into the educational system. Furthermore, this study introduced some methods of active and participatory civil education and the way to use them from Farabi's viewpoint.

Keywords: education, civil education, Farabi.

-
- * Corresponding Author: Ph.D. student in Foundations of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, fathi_62@yahoo.com.
** Specialized Ph.D., Associate Professor, Foundations of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, mmazidi52@gmail.com.
*** Specialized Ph.D., Professor, Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, beheshti@atu.ac.ir.
**** Specilized Ph.D., Professor, Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, rmarzoghi@gmail.com.
***** Specialized Ph.D., Assistant Professor, Foundations of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, shshahsani@yahoo.com.

کاوش الگوی تربیت مدنی از دیدگاه ابونصر فارابی: یک مطالعه کیفی

زهرا فتیحی *

محمد مزیدی **

سعید بهشتی ***

رحمت‌اله مرزوقی ****

شهرزاد شاه‌سنی *****

چکیده

تربیت مدنی به‌عنوان یکی از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت شناخته می‌شود، که لزوم آموزش و فراگیری آن مستلزم وجود الگوی تربیت مدنی است. یکی از نظریه‌های مهم در رابطه با تربیت مدنی مربوط به فارابی که فیلسوف ایرانی-اسلامی است. هدف پژوهش حاضر کاوش الگوی تربیت مدنی از دیدگاه فارابی می‌باشد. رویکرد پژوهش مطالعه کیفی و روش تحلیل محتوا است. کلیه منابع ترجمه شده دست اول و دوم مربوط به فارابی که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک در دسترس انتخاب شده بودند، مورد کاوش قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد. یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون در قالب ۵۰ مقوله، ۳۴ مضمون پایه، ۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر سازماندهی شد. نتایج پژوهش حاکی از این امر بود که بایستی موضوع تربیت مدنی و ابعاد آن که متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه است را وارد سیستم آموزشی نمود. همچنین این پژوهش به معرفی برخی روش‌های تعلیم مدنی فعال و مشارکتی و نحوه کاربرد آنها از دیدگاه فارابی پرداخته است.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت مدنی، فارابی.

* دانشجوی دکترا، مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)
fathi_62@yahoo.com

** دکترای تخصصی، دانشیار، مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، قم
mmazidi52@gmail.com

*** دکترای تخصصی، استاد، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
beheshti@atu.ac.ir

**** دکترای تخصصی، استاد، برنامه ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
rmarzoghi@gmail.com

***** دکترای تخصصی، استادیار، مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
shshahsani@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

مقدمه

تعلیم و تربیت در زندگی انسان نقش بنیادینی دارد. هر کسی به‌نحوی از آن بهره‌مند و کم و بیش با ویژگی‌های آن آشنایی دارد. این مفهوم همواره مورد توجه دانشمندان، فیلسوفان، روشنفکران، مصلحان اجتماعی و حتی شاعران بوده است و هر گروه از آنها از روی دانسته‌ها و تجربیات خود درباره‌ی ماهیت، نقش و اهمیت آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند. در واقع هر یک از بعد خاصی به تربیت نگریسته‌اند. به‌طورکلی تعلیم و تربیت به سبب کارکردهای گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی و ... همواره به‌عنوان ابزاری کارآمد برای رشد و پیشرفت همه جانبه ملت‌ها در نظر گرفته شده است. یکی از کارکردهای مهم نهاد تعلیم و تربیت، تربیت مدنی است که هدف آن شکل‌گیری و رشد شخصیت اجتماعی افراد، جامعه‌پذیری و آماده‌سازی افراد برای مشارکت در تحولات اجتماعی است. بررسی مفهوم تربیت مدنی، مستلزم بیان تعریفی خاص از جامعه مدنی است که براساس فلسفه تکوینی و تثبیتی آن جامعه تدوین شده باشد (علم‌الهدی، ۱۳۷۹). اما از مفهوم جامعه مدنی حتی در درون یک سنت فکری نیز، تعبیرهای مختلفی ارائه شده است. به‌عنوان مثال سنت لیبرالیستی جامعه مدنی را شامل دولت و حوزه اختصاصی حقوق افراد می‌داند (باقری، ۱۳۷۹) اما متفکرانی مانند هگل (صفایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۸۷)، مارکس (فیروزی و همکاران، ۱۳۸۲) آن را متمایز از دولت می‌دانند. امروزه نیز مفهوم جامعه مدنی همچنان در جریان تطور قرار دارد. بنابراین درخصوص مفهوم آن باید به یک نسبت‌گرایی ملایم روی آورد. بدین‌معناکه این مفهوم می‌تواند در بستر فرهنگ‌های مختلف ظهور کند و به مقتضای هر فرهنگ، ویژگی‌های نوینی را آشکار سازد (باقری، ۱۳۷۹).

یکی از مؤلفه‌های تحقق جامعه مدنی، تربیت مدنی است که ویژگی‌های فعلیت یافته و نیز قابلیت‌هایی را در افراد فراهم می‌آورد که با خصایص جامعه مدنی، تناسب داشته باشند. تربیت مدنی یکی از وجوه تربیت اجتماعی و از فروع بحث جامعه مدنی است که با تعبیر دیگری همچون تربیت شهروند، تربیت برای حیات جمعی، تربیت دموکراتیک و تربیت مبتنی بر حقوق بشر نیز از آن یاد می‌شود (باقری، ۱۳۷۹). این مفهوم توأم با تغییر مفهوم جامعه مدنی، در طول تاریخ در معرض تحول قرار داشته است. بنابراین از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و تعاریف متعددی از آن ارائه گردیده است. یکی از تعاریف جامع این مفهوم تعریفی است که باقری (۱۳۷۹) بیان کرده است. وی تربیت مدنی را فرایندی می‌داند که انسان را برای زیستن مسئولانه، خلاقانه، قانون‌مدارانه، ارزشمدارانه و آگاهانه در جامعه کمک می‌کند، که در این صورت فرد در عین حال که مشارکت آزادانه و آگاهانه در زندگی جمعی دارد، ارزش‌های اخلاقی و

هنجارهای جمعی را در خود درونی کرده و علاوه بر این در راستای اصلاح و فرهنگ جامعه تلاش می‌کند و نسبت به مسائل و مشکلات جامعه احساس مسئولیت دارد (باقری، ۱۳۷۹). با توجه به این مهم، فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، تحقق چنین شهروندانی است و یکی از مهم‌ترین دل مشغولی‌های اکثر نظام‌های آموزشی، تربیت مدنی است. بنابراین نظام‌های آموزشی بایستی سازوکارها و برنامه‌های آموزشی فراهم آورند که هماهنگ با تحولات شتاب‌آمیز در عرصه‌های مختلف، خود را برای تربیت نسلی مهیا نمایند که بتوانند با اصول و قواعد زندگی مدنی مانند قانون‌گرایی، مسئولیت‌شناسی، توانایی مشارکت با دیگران، حق و تکلیف، تفکر منطقی، توانایی نقد و ارزیابی، سعه صدر، اعتماد به نفس، آگاهی از ساختار سیاسی و... آشنا شوند و از طریق این مهارت‌های مهم بتوانند خود را در برابر حوادث و تندبادهای اجتماعی محفوظ دارند، که این امر از طریق واکاوی نظریه‌های مختلف تربیت شهروندی و ارائه الگویی در این رابطه امکان‌پذیر است.

بررسی ادبیات نظری مربوط به تربیت مدنی، نشان دهنده وجود نظریه‌های متعددی در این زمینه است. اما همان‌گونه که بیان شد، به دلیل اینکه تربیت مدنی، وابسته به فرهنگ است، طرح و بررسی الگوهای تربیت مدنی می‌بایست با توجه به شرایط بومی و فرهنگی هر جامعه باشد. از آنجاکه تربیت مدنی در ایران جزئی از تربیت اسلامی است و هدف آن تربیت شهروندانی آگاه، متعهد به ارزش‌های اسلامی و پرورش مسئولیت و مشارکت در آنها، ایجاد مهارت‌های مدنی و اجتماعی در آنان برای دستیابی به رشد و تعالی دینی و تقویت کارکردهای مطلوب و هدایت حکومت و جلوگیری از انحراف احتمالی آنها است (فومن و ستاری، ۱۳۹۴)، می‌بایست مؤلفه‌های تربیت شهروندی و به تبع آن الگوی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت ارائه شود که رهنمون آموزش تربیت مدنی به فراگیران باشد. تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تربیتی اطلاق می‌گردد که در اشکال رسمی غیررسمی، افراد جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند و با مؤلفه‌هایی نظیر مسئولیت‌پذیری، حفظ هویت و فرهنگ ملی، تفکر منطقی، احترام به حقوق فردی، مشارکت سیاسی و اقتصادی و غیره در ارتباط است (فتحی، ۱۳۸۱). دامنه پژوهش‌های انجام شده در زمینه تربیت مدنی متنوع می‌باشد و تاکنون از منظرهای مختلف و در جوامع و زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ بررسی تربیت اجتماعی از منظر فارابی و دیونی (ساسانی، ۱۳۹۵)، مقایسه و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی (نظرپور، ۱۳۹۱)، بررسی چستی حکمت مدنی از دیدگاه فارابی (صدرا، ۱۳۸۷)، ارزیابی چالش‌های تربیت مدنی در ایران (برخورداری، ۱۳۸۳)، بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی (علیپور، ۱۳۹۰)، بررسی

آموزش مدنی به عنوان فرصت برای توسعه جامعه مدنی و دموکراسی (واسیلوی، ۲۰۰۹)، از بررسی این پژوهش‌ها می‌توان گفت در هیچ پژوهشی به ارائه الگوی تربیت مدنی پرداخته نشده است. این پژوهش قصد دارد از طریق واکاوی نظریات فارابی که فیلسوفی ایرانی-اسلامی است، به بیان ابعاد حکمت مدنی و فهم مؤلفه‌های تربیت مدنی از دید وی بپردازد و در نهایت الگوی تربیت مدنی از دید فارابی را ارائه دهد. بدین منظور سؤالات اساسی پژوهش عبارت است از:

۱. ابعاد تربیت مدنی از دیدگاه فارابی در رابطه با تعلیم و تربیت چه می‌باشند؟

۲. مؤلفه‌های تربیت مدنی از دیدگاه فارابی چه می‌باشد؟

۳. الگوی تربیت مدنی براساس دیدگاه‌های فارابی چه می‌باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع توسعه‌ای-کاربردی و از نظر چگونگی گردآوری داده‌های مورد نیاز، تحقیق کتابخانه‌ای است. طرح پژوهش در یک مطالعه کیفی موردی انجام شده است، که به استخراج الگوی تربیت مدنی از دیدگاه فارابی پرداخته است. به منظور شناسایی ابعاد تربیت مدنی و گردآوری داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. روش تحلیل محتوای کیفی به فراسوی کلمات و محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها و الگوهایی را که پنهان هستند آشکار می‌کند. قلمرو کاوش، گردآوری داده‌های این پژوهش کلیه کتاب‌های ترجمه شده به زبان فارسی از فارابی و منابع دست دوم مربوط به فارابی بود که براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک در دسترس نمونه پژوهش انتخاب شد. محقق ضمن گردآوری اسناد با روش هدفمند، هم مسئولیت گردآوری داده‌ها و هم تبیین واحدهای معنای آنها را بر عهده دارد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحلیل مضمون به روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی اطلاق می‌شود. در این پژوهش برای ارائه الگو از شبکه مضامین برای ارائه الگو استفاده شده است. شبکه مضامین براساس روند مشخص، پایین‌ترین سطح مضامین (مضامین پایه: کدها و نکات کلیدی متن) را از متن بیرون می‌کشد و سپس این مضامین را دسته‌بندی و تلخیص می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده: مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و در قدم بعد این مضامین به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آورد (مضامین فراگیر و عالی) و سپس به صورت نقشه‌های شبکه تارنما هر کدام از سه سطح به همراه روابط آنها را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

۱. ابعاد تربیت مدنی از دیدگاه فارابی در رابطه با تعلیم و تربیت چه می‌باشند؟

جهت پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش، اطلاعات و یافته‌های مورد نیاز گردآوری شد. بدین ترتیب در ابتدا منابع اطلاعاتی مرتبط شناسایی شدند که در این پژوهش کتاب‌های فارابی و منابع دست دوم مربوط به فارابی بود. این متون در چند مرحله مورد کاوش و جستجو قرار گرفتند و اطلاعات مورد نیاز جهت تربیت مدنی کشف گردید و در نهایت داده‌های مورد نیاز استخراج گردید. براساس مطالعات انجام شده می‌توان گفت فارابی ابعاد تربیت مدنی را در چهار بعد نظری، فکری، اخلاقی و عملی بیان می‌کند که در ادامه به تفصیل به بیان هر کدام از این ابعاد پرداخته شده است.

فارابی نخستین دانشمند اسلامی است که به طبقه بندی جامع علوم و ارائه نظام علمی کاملی پرداخته است. نظام علمی او دربرگیرنده ی فلسفه یا علم به معنای عام و نیز علم به معنای خاص و از جمله علم مدنی می‌باشد. طبقه‌بندی علوم و نظام علمی فارابی، بر جهان بینی فلسفی و علمی او مبتنی است و براساس نظام سلسله مراتبی هستی می‌باشد. بعد از ارسطو دومین شخصیتی است که به طبقه‌بندی علوم و ارائه یک نظام علمی می‌پردازد. به این جهت او را معلم ثانی لقب دادند (صدرا، ۱۳۸۷، ص ۵۲). وی در کتاب تحصیل السعاده بیان می‌کند: برای اعضای مدینه فاضله چهار نوع فضیلت خواهد بود: نظری، فکری، اخلاقی و عملی.

در راستای عملی کردن علم مدنی در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد، می‌توان ابعاد تربیت مدنی از دیدگاه فارابی را به‌طورکلی در این چهار فضیلت یا چهار بعد (نظری، فکری، اخلاقی و عملی) که به گفته وی، اگر در میان امت‌ها و در میان مردمان هر تمدنی حاصل شود به وسیله آن چهار فضیلت یا بعد مذکور، سعادت دنیوی در این زندگی و سعادت دیرپا در زندگی اخروی برای آنها حاصل گشته است، خلاصه کرد.

بعد نظری مدنی

فضیلت نظری علم به حقایق جهان هستی است- اسباب اول و اسباب دوم، نفوس و اجرام آسمانی، طبیعت، نفس انسانی، مدینه فاضله، سعادت و... (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰-۱۶۱). وی «فضایل نظری» عبارت است از معلوماتی که غرض نهایی آنها معقول ساختن موجودات و یقین انسان به وجود آنهاست. برخی از این علوم از ابتدا برای انسان حاصل بوده، بدون آنکه بدانند چگونه و از کجا به دست آمده‌اند که اینها علوم اولیه هستند، و برخی دیگر از طریق تأمل، تخصص، استنباط، تعلیم و تعلم حاصل می‌شوند (همان، ص ۵۵). از سخن فارابی برمی‌آید که بعد نظری به فلسفی

نزدیک است و به مواردی که در راستای تربیت مدنی آگاهی نسبت به آنها لازم است مانند نفس آدمی، سعادت و مدینه فاضله... می پردازد و فضیلت نظری را «توانایی شناخت عقلانی و یقینی» (فارابی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶) که ضروری انسان مدنی می باشد، معرفی می نماید.

بعد فکری مدنی

فضیلت فکری علم به راه رسیدن به سعادت است؛ علم به اینکه چه رفتارهایی را باید و چه رفتارهایی را نباید انجام داد-بایدها و نبایدها (همان، ص ۱۶۰). وی از دو نوع یا دو قسم فضیلت فکری یاد می کند: فضیلت فکری مدنی؛ فضیلت فکری منزلی. فضیلت فکری مدنی، عبارت است از قدرت استنباط نافع ترین و پسندیده ترین راه برای وصول به غایتی فاضل، که مشترک میان امم و یا یک امت یا اهل یک مدینه باشد. البته چنین غایتی می تواند در زمانی کوتاه دگرگون شود و یا در زمانی طولانی باقی بماند. فضیلت فکری منزلی، توانایی بر تشخیص نافع ترین و پسندیده ترین راه برای دستیابی به غایتی فاضل، نزد طایفه ای از اهل مدینه یا در نزد اهل منزل است. سرعت دگرگونی این گونه غایات متفاوت است (همان، ص ۷۰). از سخنان فارابی برمی آید فضیلت فکری منزلی آنجاکه به راه دستیابی به غایتی در نزد طایفه ای از اهل مدینه (به مثابه یگ گروه یا اجتماع کوچک در جامعه) مربوط می گردد، می تواند به عنوان زیرمجموعه فضیلت فکری و در نتیجه تربیت مدنی باشد.

بعد عملی مدنی

فارابی در باب فضایل عملی می گوید، «فضایل عملی» نیز عبارت است محقق ساختن فضایل اخلاقی و عمل به خیر. فضیلت عملی تابع فضیلت فکری و آن نیز تابع فضیلت نظری است (همان، ص ۵۷). به نظر می رسد مراد وی از فضیلت عملی و صناعی، مهارت های حرفه ای است که هریک از اعضای جامعه به تناسب باید از آنها برخوردار باشند. برای نمونه، سربازان و جنگاوران باید مهارت های جنگی را آموخته باشند، درودگران و آهنگران مهارت های مربوط به حرفه خود را، چنان که رئیس جامعه و دیگر رؤسایان نیز باید مهارت های مربوط به پُست خود را دارا باشند (داودی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰). بنابراین فارابی حرفه ها را در ردیف فضایل نظری و اخلاقی و فکری قرار داده و آنها را شرط لازم برای سعادت دانسته است (فارابی، ۱۹۸۱، ص ۱۱۹).

بعد اخلاقی مدنی

فارابی در باب فضایل اخلاقی می گوید، فضیلت اخلاقی صفت های اخلاقی است که توانایی عمل به بایدها و نبایدها را در انسان ایجاد می کند (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰). در جایی دیگر بیان می کند،

«فضایل اخلاقی» افعالی است که از انسان صادر می‌شود و به منشأ و مصدری غیر از عقل نظری نیازمند است که آن عقل عملی یا اراده است، از آنجاکه اراده انسان ذاتاً از امور طبیعی و اجتماعی متأثر است در نتیجه، پیرو قوانین ثابتی نیست. فضایل اخلاقی به اختلاف زمان و محل و افراد مختلف، اختلاف پیدا می‌کنند مانند: شهوت، لذت فرح، غضب و ... (همان، ص ۵۷). البته باید به این نکته توجه داشت که فارابی درباره اخلاق دو نظر دارد. در یک نظر اخلاق را علمی مستقل در عرض سیاست مدن می‌داند که نسبی‌گرایی اخلاقی را بر نمی‌تابد و در نظر دوم برای اخلاق هویت جداگانه‌ای قائل نیست و همه مباحث آن را در سیاست مدن مطرح می‌کند. که ممکن است گفته شود از دید وی اخلاق ماهیتی کاملاً اجتماعی دارد؛ بدین معنا که هم خاستگاه اخلاق و فضایل اخلاقی جامعه و اهداف آن است و هم اخلاق و فضایل اخلاقی در خدمت تحقق کارکردها و اهداف جامعه است و به همین دلیل با تغییر جامعه، نظام اخلاقی نیز تغییر می‌کند (داودی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱-۱۴۰).

تفاوت بعد اخلاقی با بعد عملی از دیدگاه فارابی را این‌گونه می‌توان بیان کرد که بعد اخلاقی تلاش به کسب فضایل از طریق عادت دادن به انجام رفتارهای در حد وسط است و بعد عملی در صدد کسب فضایی از طریق عادت به انجام رفتارهای لازم در هر صنعت است (داودی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱). همچنین فارابی در باب رابطه فضایل خلقی و عملی می‌گوید: دو نوع فضیلت دیگر که فضیلت خلقی و صناعات عملی هستند، به جزء نزوعی نفس تعلق دارند. فضیلت خلقی به عوارض نفس چون شهوت، لذت، فرح، غضب، خوف، شوق، غیرت و رحمت مربوط است و صناعات عملی به افعال بدنی همچون نشست و برخاست، نگاه و سماع مربوط می‌شود (فارابی، ۱۹۸۱، ص ۴۴-۴۵). در راستای ارتباط این چهار بعد، فارابی بیان می‌دارد که فضیلت نظری، فکری، اخلاقی و عملی، هیچ‌یک از دیگری جدا نیستند. در غیر این صورت نهایتاً در آنها خلل پدید آمده و کامل نخواهند بود و نمی‌توانند به‌عنوان غایت کامل برتر لحاظ شوند (فارابی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).



شکل شماره ۱. ابعاد تربیت مدنی از دیدگاه فارابی

۲. مؤلفه‌های تربیت مدنی از دیدگاه فارابی چه می‌باشد؟

جهت پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش ابعاد اصلی که در سؤال اول شناسایی شد، مورد تحلیل قرار گرفت و اطلاعات مربوط به هر بعد تربیت مدنی شناسایی شد و مفاهیمی که با یکدیگر قرابت محتوایی داشتند، شناسایی شد و سپس آنها در یک طبقه یا دسته قرار داده شدند که در ادامه خلاصه‌ای از آن بیان شده است و تصویر کلی از این فرایند در جدول شماره یک بیان شده است. همان‌طور که در قسمت ابعاد تربیت مدنی از دیدگاه فارابی گفته شد، فضیلت نظری «توانایی شناخت عقلانی و یقینی» است و فضایل نظری علوم هستند که غرض نهایی از آنها شناخت موجودات است و این فضایل فقط شامل امور معقولی است که در مورد آنها یقین حاصل شده است و از جمله این علوم آنهایی است که برای انسان از بدو امر حاصل است، بدون این‌که بدانند از کجا و چگونه آنها را به دست آورده است. در این بعد سه مضمون سازمان دهنده جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، شناسایی شد که براساس این سه مضمون مورد بررسی قرار گرفته شد.

جدول شماره ۱. مضمون‌های فراگیر و سازمان دهنده الگوی تربیت مدنی از دیدگاه فارابی

مضمون فراگیر	مضمون‌های سازمان دهنده	مضمون‌های پایه	مقوله‌ها
بعد نظری مدنی	جهان‌شناسی	سلسله مراتب هستی	واجب الوجود: ایکتا و بی‌همتا، دانا و خردمند، محبوب نخست، هستی بخش) عقول عقل فعال نفس صورت ماده
		اقسام معرفت	حسی خیالی عقلی
معرفت سیاسی و اجتماعی		منابع معرفت	
		چگونگی شکل‌گیری علم مدنی	
		نقش نیروی فکریه در شکل‌گیری علم مدنی	
		راه‌های فراگیری امور نظری مدنی	
		فهم همگانی و اختصاصی دانش	
		فیلسوف؛ امام و قانون‌گذار	

مضمون فرآگیر	مضمون‌های سازمان دهنده	مضمون‌های پایه	مقوله‌ها
		دانش به چگونگی شکل‌گیری جامعه	انواع اجتماع (کامل، غیرکامل) اجتماع کامل (عظمی، وسطی، صغری) اجتماع غیرکامل (ده، کوی، محله، منزل) انواع مدینه (فاضله، غیرفاضله) انواع مدینه غیرفاضله (جاهلیه فاسقه، متبذله، ضالّه) انواع مدینه جاهلیه (ضروریه، بدّاله یا نذاله، خست یا شقوت، کرامت یا کرامیه، تغلیبه، جماعیه یا حربیه)
		آگاهی به ساختار و سلسله مراتب مدنی	اجزا و عناصر جامعه (هدف، اعضای انسانی، قاعده و قانون) اعضای انسانی: (آگاهی و باورمندی اعضا به آراء، اعمال و خلیقات: (دانش‌ها و باورها و اخلاقیات مشترک، دانش‌ها باورها و اخلاقیات اختصاصی) سلسله مراتب ریاست و ویژگی‌های رئیس: رئیس اول، ریاست افاضل، رؤسای سنت) آگاهی به ارکان جامعه (طبقات حکومتی) (افاضل، ذوالأسنه، مقدر، مجاهدون، مالیون) قاعده و قانون: (محبت، عدالت).
بعد فکری مدنی	راه‌های (بایدهای) سیاسی و اجتماعی تحقق سعادت	تابعیت از عقل	انواع تعقل: (تدبیر منزل، سیاست مدن) فلسفه‌ورزی، مشورت و رایزنی انسان برده و انسان آزاده
		اعتدال	
		تهذیب نفس	
		همبستگی و پیوستگی افراد جامعه	

مضمون فراگیر	مضمون‌های سازمان دهنده	مضمون‌های پایه	مقوله‌ها
		حفظ وحدت	
		استقلال نسبی و پویایی فردی در عین همبستگی	
		همزیستی مسالمت‌آمیز	
		عدالت گستری	
		حساسیت نسبت به مسائل شهری و اجتماعی	
		تبادل فرهنگ‌ها	
		تعلیم و تأدیب	
		تلاش افراد در جهت استمرار نظام اداری مستحکم	
		اكتساب شغل	
		کسب تخصص و تصدی شغلی واحد	
صفات و مهارت‌های شغلی	بعد عملی مدنی	فضایل نطقی	حق محوری خشوع و دینداری حکمت زیرکی و هوشمندی خوش فهمی
اكتساب فضایل	بعد اخلاقی مدنی	فضایل خلقی	عفت سخاوت شجاعت تواضع و فروتنی آزادگی سعه صدر شرم و آرم اظهار دوستی کردن عدالت صداقت

فارابی در بحث جهان‌شناسی سلسله مراتب هستی را در ۶ مقوله واجب الوجود، عقول، عقل فعال، نفس، صورت و ماده را مورد بررسی قرار می‌دهد، که برخی از آنها خود دارای ابعاد دیگری هستند. در مبحث انسان‌شناسی وی ماهیت و طبیعت انسان، تطابق نظام وجود و تطابق نظام خلقت انسان، معرفت به سعادت انسان، اختیار، طبیعت متفاوت انسان، مدنی بالطبع بودن او و جایگاهش در حیات مدنی را بیان کرده است. در بحث معرفت‌شناسی فارابی ضرورت تحصیل منطق، اقسام و منابع معرفت، معرفت‌سیاسی و اجتماعی که موضوع بحث پژوهش است و عیناً همان تربیت مدنی است را بیان می‌کند. در مبحث معرفت‌سیاسی و اجتماعی وی به چگونگی شکل‌گیری علم مدنی،

نقش نیروی فکری در شکل‌گیری علم مدنی، راه‌های فراگیری امور نظری مدنی، فهم همگانی و اختصاصی دانش و فیلسوف و امام و قانون‌گذار، دانش چگونگی شکل‌گیری جامعه و ساختار سلسله مراتبی مدنی را بیان کرده است.

دومین بعد تربیت مدنی، فضیلت فکری است که به معنای علم راه رسیدن به سعادت است؛ علم به بایدها و نبایدها؛ اینکه چه رفتارهایی را باید و چه رفتارهایی را نباید انجام داد (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۵۵). در واقع، فضایل فکری، ناشی از قوه فکری بوده و آنچه برای اهداف و غایات عالی سودمندتر است را استنباط می‌کند. فارابی فضیلت فکری را به دو قسم: فکری مدنی و فکری منزلی تقسیم می‌کند. برای بررسی این بعد مؤلفه‌های مختلف باورهای سیاسی و اجتماعی مطرح شده از سوی فارابی شناسایی شد که شامل: تابعیت از عقل، اعتدال، تهذیب نفس، همبستگی و پیوستگی افراد جامعه، حفظ وحدت، استقلال نسبی و پویایی فردی در عین همبستگی، همزیستی مسالمت‌آمیز، عدالت‌گستری، حساسیت نسبت به مسائل شهری و اجتماعی، تبادل فرهنگ‌ها و تعلیم و تربیت می‌باشد. در مبحث تعلیم و تأدیب مفاهیم تأدیب، تعلیم، اهداف تعلیم، عوامل انسانی و فرانسائی، اصول تعلیم و روش‌های تعلیم مدنی، روش‌های اقناعی، روش‌های مبتنی بر تکرار و عادت، تربیت حاکمان و کارگزاران شایسته، شناسایی، اصلاح، درمان و کیفر کج‌روها شناسایی شدند.

جهت بررسی بعد سوم تربیت مدنی که بعد عملی است و به معنای مهارت‌های حرفه‌ای است که هر یک از اعضای جامعه به تناسب باید از آنها برخوردار باشند، بعد از بررسی متون مربوط به فارابی، ویژگی‌ها و مهارت‌های شغلی از قبیل تلاش افراد در جهت استمرار نظام اداری مستحکم، اکتساب شغل، کسب تخصص و تصدی شغلی واحد استخراج شدند. در نهایت بعد چهارم تربیت مدنی مورد بررسی قرار گرفته شد. بعد چهارم که بعد اخلاقی تربیت مدنی است به معنای فضایل اخلاقی و صفت‌های اخلاقی است که توانایی عمل به بایدها و نبایدها را در انسان ایجاد می‌کند و افعالی هستند که منشأ صدور آنها عقل عملی و اراده است و به اختلاف زمان و مکان و افراد گوناگون، اختلاف پیدا می‌کنند (همان، ص ۵۵). در این بعد اکتساب فضایل نطقی و خلقی مورد بررسی قرار گرفته شد. در فضایل نطقی مؤلفه‌های حق‌محوری، خشوع دینداری، حکمت، زیرکی و هوشمندی و خوش فهمی شناسایی شد و در فضایل اخلاقی مؤلفه‌های عفت، سخاوت، شجاعت، تواضع و فروتنی، آزادگی، سعه صدر، شرم و آزر، اظهار دوستی و عدالت و صداقت شناسایی شدند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۵۵).

۳. الگوی تربیت مدنی براساس دیدگاه‌های فارابی چه می‌باشد؟

با توجه به پرسش اول و دوم پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های تربیت مدنی از دیدگاه فارابی مشخص شد.

در این مرحله و برای پاسخ گویی به سؤال سوم پژوهش، مضامین، به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم شده است و هریک از مضامین و روابط بین آنها در قالب الگو نمایش داده شده است (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲: الگوی تربیت مدنی از دیدگاه فارابی

نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، در آثار فارابی توأم با واژه تربیت، واژگان تعلیم، تعلم، ادب، تأدیب، تأدب، تدبیر، اقتناع به‌کار رفته است. از مجموع اشارات فارابی به مفهوم علم مدنی و آنچه که درباره معنای تأدیب و تعلیم آورده، برمی‌آید که راه ایجاد و تحقق فضایل در ابعاد چهارگانه تربیت مدنی، تعلیم و تأدیب می‌باشد. تعلیم طریقی برای محقق شدن فضایل نظری و فکری و تأدیب طریقی برای اکتساب فضایل خلقی و صناعات عملی است. تعلیم صرفاً با گفتار صورت می‌پذیرد و تأدیب با عادت دادن مردم به انجام کارهای مربوط به فضیلت‌ها و برانگیختن اراده آنها به انجام فعل انجام می‌گردد.

با توجه به تقسیم‌بندی فارابی از فضایل یا به عبارتی به بیان وی، امور انسانی‌ای که در بین امت‌ها و شهروندان حاصل می‌شود و به وسیله آن سعادت دنیا در زندگی دنیوی و سعادت قصوی در زندگی اخروی به‌دست می‌آید، چهار گونه‌اند: فضایل نظری، فضایل فکری، فضایل خلقی و صناعات عملی، در این پژوهش ابعاد تربیت مدنی را در چهار بعد نظری مدنی، فکری مدنی، عملی مدنی و خلقی مدنی بیان شد.

از آنجا که، هدف تعلیم و تربیت مدنی آماده کردن افراد برای زندگی در جامعه، به‌عنوان یک عضو فعال و مؤثر است که آن هم خود مستلزم برخورداری از دانش‌ها و پذیرش باورها و رفتارهای مطلوب جامعه است. چنان‌که تربیت مدنی افراد برای زندگی در جامعه دو جنبه دارد: الف) جنبه عمومی و آن آموزش باورها و دانش‌های مشترک و نیز تربیت افراد و پایبند کردن آنان به صفات و رفتارهای مشترک مقبول جامعه فاضله است که بخشی از آن فضایل اخلاقی اجتماعی تشکیل می‌دهند. ب) جنبه اختصاصی و آن آموزش باورها و دانش‌ها و نیز پرورش صفات و رفتارهای خاص هر گروه است تا بتوانند نقش و وظیفه‌ای را که در جامعه به عهده دارند به شایستگی انجام دهند. در اینجا نیز بخشی از این صفات و رفتارها را فضایل اخلاقی اجتماعی تشکیل می‌دهند. بنابراین، در این پژوهش به استنتاج و استخراج و معرفی دیدگاه‌های فارابی در باب دانش‌ها، باورها، رفتار و مهارت‌ها و همچنین فضایل اخلاقی، در راستای تربیت مدنی پرداخته شد.

همچنین با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین در رابطه با، چالش‌هایی که در زمینه تربیت مدنی در جامعه ایران از قبیل، اعتقاد به زمینه لیبرالیستی پیدایش مفهوم جامعه مدنی و به تبع مفهوم تربیت مدنی، عدم استفاده از روش‌های تربیتی فعال و مشارکتی، وجود دارد. در این مطالعه نمایان می‌شود که، پیدایش مفهوم تربیت مدنی در فلسفه سیاسی تنها به یک فلسفه خاص یعنی لیبرالیسم برنمی‌گردد و می‌توان این مفهوم را بر پایه‌های فکری و فرهنگی متناسب با هر نوع جامعه بنیان

نمود. نتیجه‌گیری کلی پژوهش بیانگر این است که می‌توان موضوع تربیت مدنی و ابعاد آن را متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران که برآمده از آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان آن جامعه از قبیل آراء فارابی، است، وارد سیستم آموزشی نمود. همچنین این پژوهش به معرفی برخی روش‌های تعلیم مدنی فعال و مشارکتی و نحوه کاربرد روش‌ها از دیدگاه فارابی می‌پردازد، از دیدگاه فارابی به علت تفاوت اقوام و گروه‌های مختلف مردم، از حیث توانایی و قدرت آموختن، همچنین به سبب ویژگی‌های فطری یا اموری که در اثر عادت در آنها پدید آمده، روش تعلیم به هر قوم نسبت به قوم دیگر، حتی گروه‌ها و افراد درون یک قوم، متفاوت می‌شود. پس همه‌ی شهروندان را نمی‌توان و نباید به یک روش آموزش داد و تربیت کرد. البته روش‌ها به اعتبار موضوع آموزش نیز دگرگونی پذیرند. برخی از موضوعات آموزشی، صرفاً از طریق الفاظ و برخی تنها به شیوه‌ی عملی قابل تعلیم هستند؛ البته برخی دیگر می‌توانند از هر دو شیوه سود جویند. فارابی تعلیم را در یک تقسیم کلی، به دو نوع تعلیم مسموع و تعلیم به احتذاء تقسیم می‌کند. در تعلیم مسموع، وسیله انتقال مفاهیم، الفاظ هستند و در شیوه احتذاء که با پیروی و تقلید عملی می‌شود، متعلم با مشاهده‌ی افعال و تقلید به مهارت دست می‌یابد. در این پژوهش روش‌های تربیت مدنی از دیدگاه فارابی به دو دسته کلی روش‌های اقناعی و روش‌های مبتنی بر تکرار و عادت تقسیم می‌شود. فارابی در باب راه‌های فراگیری علوم و فضایل نظری، معتقد است شایسته است که امور نظری با راه‌های اقناعی فرا گیرند. همچنین تمیز آنچه که باید به‌طور مشترک برای تمام امت‌ها و تمام ساکنان هر شهری از این علوم در نظر گرفت و آنچه باید به یک امت، جدای از امت دیگر داد، یا یک شهر و طایفه جدای از شهر و طایفه دیگر و به‌طور کلی تمام این مسائل به وسیله فضیلت فکری، حاصل می‌شوند و این وقتی حاصل می‌شود که فضیلت نظری به دست آمده باشد. در مورد فضایل عملی و صناعات عملی نیز، فارابی معتقد است که باید آنها را در مردم از طریق سخنان اقناعی و انفعالی یا سایر گفتارهایی که بتواند این افعال و ملکات را به صورت کامل در نفس، جاگیر کرده و سبب انگیزش اراده و عزم آنان برای انجام آن امور از روی میل و رغبت شود، ایجاد کرد. فارابی به روش‌های اقناعی از قبیل: مثال و تمثیل، پرسش و پاسخ، روش آموزش شنیداری، روش شنیداری-دیداری، ترویج اشاره می‌کند. فارابی معتقد است، دسته دوم روش‌ها، یعنی روش‌های مبتنی بر تکرار و عادت، بیشتر در کسب فضایل خلقی کارآمد است، دلیل بر اینکه اخلاق از عادت به دست می‌آید، چیزی است که ما می‌بینیم در شهرها رخ می‌دهد، زیرا سیاست مداران به وسیله افعال خیری که مردم شهر را به آنها عادت می‌دهند، تبدیل به انسان‌های نیک می‌کنند. از جمله روش‌های مبتنی بر تکرار و عادت از دیدگاه فارابی می‌توان به روش‌هایی از قبیل: روش

محاکات (اقتدا/تقلید)، روش اکراه و اجبار، روش تشویق و تنبیه، روش عمل به ضد (مخالفت با نفس) اشاره کرد. پرداختن دقیق به روش‌های تعلیم مدنی بحث گسترده‌ای را می‌طلبد که پیشنهاد می‌گردد محققین آینده به بررسی و بسط آنها پردازند.

بنابراین در تعلیم و تربیت مدنی معلم و مربی در مرحله نخست باید از قدرت اقناع بهره گیرد و با استفاده از روش‌های متناسب با میزان درک و فهم وی به مربی کمک کند تا درکی صحیح از آن آموزه به دست آورد و آن را بپذیرد و درونی کند؛ اما اگر این تلاش‌ها کارساز نبود، می‌توان و بلکه باید از روش‌های دیگر مبتنی بر عادت و تکرار از قبیل، روش تنبیه و مجازات استفاده کرد.

از آنچه گفته شد یک نتیجه بسیار مهم به دست می‌آید و آن اینکه تعلیم و تربیت مدنی حقیقت محور و خیر محور است، نه معلم محور و نه دانش آموز محور. معلم موظف است دانش‌ها و باورهای حق و نیز رفتارهای درست را به متعلم آموزش دهد و متعلم نیز موظف است آنها را بیاموزد و آگاهانه و از سر اختیار بپذیرد. اراده و اختیار متعلم و مربی و نقادی نیز تا جایی به رسمیت شناخته می‌شود که در این مسیر باشد، اما در جایی که بخواهد پس از روشن شدن حقیقت، آگاهانه با آن مخالفت ورزد، به رسمیت شناخته نمی‌شود و با آن مبارزه می‌شود.

منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، ش ۶۰.
۲. برخوردار، مهین (۱۳۸۳)، «تبیین و ارزیابی و چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳. داودی، محمد (۱۳۹۴)، فلسفه تعلیم و تربیت مشاء، جلد دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. ساسانی، عارف (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی با تأکید بر مفهوم شهروندی از منظر فارابی و دیویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۵. صدرا، علیرضا (۱۳۸۷)، «حکمت حکمت مدنی»، فصلنامه علمی-تخصصی حکمت اسلامی، سال اول، ش ۳.
۶. صفایی مقدم، مسعود؛ محمود کاظمی، محمدجعفر پاکسرشت و سیدمنصور مرعشی (۱۳۸۷)، «بررسی اصول اساسی تربیت مدنی (با رویکرد اسلامی)»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی (دانشگاه شهید چمران اهواز)، دوره چهارم، سال پانزدهم، ش ۳.
۷. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۷۹)، «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام»، پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش ۱.
۸. علیپور، علی حسین (۱۳۹۰)، «بررسی میزان بکارگیری اصول اساسی تربیت مدنی با رویکرد اسلامی در مدیران مقطع متوسطه شهر لاهرود و مشکین شهر»، کنفرانس بین‌المللی چالش‌های نوین در مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
۹. فومن، سارا و صدرالدین ستاری (۱۳۹۴)، «تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.
۱۰. فارابی، ابونصر (۱۳۶۴)، احصاء العلوم، ترجمه: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، تحصیل السعاده، حقه و قدم له و علق علیه جعفر آل یاسین، بیروت: دارالاندلس.

۱۲. فارابی، ابونصر (۱۹۸۱)، کتاب المله و نصوص اخرى، ترجمه محسن مهاجرنیا، تحقیق محسن مهدی، بیروت: دارالمشرق.
۱۳. فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، التنبیه علی سبیل السعاده، تحقیق دکتر جعفر آل یاسین، تهران: حکمت.
۱۴. فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، سیاست مدنی، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. فارابی، محمدبن محمد (۱۳۸۴)، سعادت از نگاه فارابی، قم: دار الهدی، ایران.
۱۶. فارابی، ابونصر (۱۹۸۱)، تحصیل السعاده، تحقیق و تعلیق جعفر آل یاسین، بیروت: دارالاندلس.
۱۷. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۱)، «برنامه‌های درسی تربیت شهروندی»، مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد ۱۴، ش ۲.
۱۸. فیروزی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «زیر ساخت‌های تربیتی جامعه مدنی»، پایان‌نامه دکتری علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم.
۱۹. نظرپورقنبرلو، اکبر (۱۳۹۱)، «مقایسه و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی و مبانی فلسفی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
20. Vasiljevi, Branka. (2009), Civic Education as a Potential for Developing Civil Society and Democracy (The Case of Serbia), Master Thesis Faculty of Social Science University of Tromsø, Norway.